



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

کارگران نساجی، دستاوردها و پیشروها



نسرین رضانعلی

به کل صنعت نساجی و سودآور کردن آن را رسماً جزئی از سیاستهای اقتصادی خود اعلام کرده است. محور اصلی دور اخیر مبارزات کارگران نساجی اعتراض به این سیاستهای ضد کارگری دولت و کارفرمایان می باشد. لازم به یاد آوری است که طی سه ساله گذشته نیز چندین مورد مبارزات گسترده کارگران نساجی در کردستان صورت گرفته است که محور اصلی این اعتراضات کماکان بر علیه سیاست خصوصی سازی، تهدید به اخراج و عدم

از اواخر هفته گذشته کارگران نساجی در شهر سنندج در اعتراض به سیاست خصوصی سازی، عدم پرداخت دستمزدها و تهدید به اخراج توسط کارفرمایان دست به اعتصاب و مبارزه بر علیه دولت و کارفرمایان زده اند. همزمان با این دور جدید مبارزه کارگران بر علیه سیاستهای اقتصادی رژیم و کارفرمایان، به خصوص سیاست خصوصی سازی و واگذار کردن واحدهای تولیدی به بخش خصوصی، رژیم سیاست باز گذاشتن دست کارفرمایان در برخورد

اوضاع سیاسی ایران و موقعیت چپ در جامعه



محمد آسنگران

دارد. عمامه نمیخواهند. توقع مردم و تصویرشان از زندگی کاملاً متفاوت از آن چیزی است که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است. شاید تا حدودی این بحث مربوط به روانشناسی جامعه است. از این نظر هم مردم، با هیچ دگرذیسی در رژیم اسلامی ساکت نمیشوند. هر تغییری از این نوع در ساختمان حاکمیت در ایران، مردم را بیش از پیش به میدان مبارزه برای تعیین سرنوشت جامعه تشویق میکند. کسی که از زاویه ضعف و ناتوانی خود یا گرایش به راست خود نتیجه میگیرد که جامعه ممکن است با تغییراتی در شکل حاکمیت رژیم اسلامی، آرام بگیرد، نه جامعه را میشناسد و نه درکی از پتانسیل تغییر در جامعه ایران

این تصویر هر چند به مذاق جناحهای رژیم اسلامی و راست جامعه خوش نیاید، اما تصویر تقریباً دقیقی از جامعه ایران است. متأسفانه جریان انشعابی از حزب ما در این رابطه سنگ تمام گذاشته و کورش مدرسی اعلام کرده است که راست در جامعه ایران دست

اختلاف مردم و نارضایتی مردم علیه جمهوری اسلامی، به قول منصور حکمت اختلافی نسلی است. بحث این نیست که مردم با این یا آن سیاست رژیم ناسازگار هستند. بحث این نیست که این رژیم با اقدامات معینی میتواند مردم را به خانه بفرستد. واقعیت این است که نسل جوان و فعال در ایران توقع دیگری از زندگی و نقش خود در جامعه دارد. این رژیم هر کاری بکند از جانب مردم و نسل جوان قابل قبول نیست. هر تغییری بکند و یا بقول راستهای جدید هر استحالته ای که از سر بگذراند بر خلاف تصور آنها برای مردم پذیرفتنی نیست. مردم این رژیم را با عمامه یا بدون

اطلاعیه شماره ۴

کارگران نساجی سنندج به تحصن خود پایان دادند

کارخانه که قبلاً پرداخت سه ماه حقوق به ازا، هر سال سابقه کار را مطرح کرده بود این بار باز خرید ۷۶ تن از کارگران بر اساس پرداخت چهار ماه و نیم از حقوق در ازا، هر سال را طرح

مذاکرات سروان دوستی اطلاعیه ما را در دست گرفته و شروع به فحاشی نمود و کارگران را تهدید به شدت عمل کرد. با پافشاری کارگران بر خواستههای خود مدیریت

سروان دوستی از نیروی انتظامی به مذاکره پرداختند. سروان دوستی از شروع تحصن تا کنون در محل کارخانه همراه شمار زیادی از نیروهای نظامی حضور داشته است. در جریان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده امروز در یک جو پلیسی نمایندگان کارگران با شخصی بنام افشاری از طرف مدیریت کارخانه نساجی با حضور

امروز چهارشنبه ساعت یک بعد از ظهر اعتصاب و تحصن کارگران پایان یافت. کارگران بخشی از مطالبات خود را به کارفرما و دولت تحمیل کردند. بر اساس گزارشهایی که به

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

جناح قوی و قابل اتکا را برای تغییر جامعه تشکیل میدهند. چه جامعه در تاریخ خودش بی سابقه است که تا این حد شناخته شده و دارای چهره های حقیقی و حقوقی باشد. کمونیسم کارگری و چه در اپوزیسیون در ایران و به جرات میتوان گفت در جهان تا کنون از امکانات و توان تغییر در چنین ابعادی را تجربه نکرده است. برای اولین بار است که یک جریان کمونیستی با رسانه ای ۲۴ ساعته تصویری، دارد با میلیونها انسان وارد دیالوگ میشود. مخاطبین ما کمونیست کارگرها، دیگر مثل چه حاشیه ای محافل کوچک خودمانی نیست. به قول یکی از روزنامه های ایران ۶۰ درصد مردم ایران از امکانات ماهوره ای استفاده میکنند. اگر از این ۶۰ درصد در صد هم کانال جدید را نگاه کنند با احتساب جمعیت ۷۰ میلیونی ایران، مردم در ابعاد میلیونی روزانه سیاستهای حزب کمونیست کارگری را میبینند و میشوند. اگر این فاکتورها را کنار هم قرار دهیم به این نتیجه میرسیم که یک فاز تازه و بی نظیر در سیاست ایران شروع شده است. چه جامعه در تمام طول عمر خود از چنین قدرت و شخصیتهای شناخته شده و رادیکالی برخوردار نبوده است. چه جامعه در تاریخ خود هیچ وقت از چنین امکانات تبلیغی و رسانه ای برخوردار نبوده است. چه جامعه ایران از چنین چهره های شناخته شده اجتماعی و سیاسی در داخل و خارج ایران برخوردار نبوده است. نمونه چهره های علنی فعالین کارگری و فعالین مدافع کودکان و فعالین سیاسی ... در ایران سنت تازه ای است که پیشینه و تجربه تاریخ احزاب قدیمی در ایران نیست. کمونیسم کارگری بانی و مروج آن بوده است. اینکه چه درصدی از این فعالین با ما و هم نظر ما هستند معیار من نیست. معیار من اجتماعی و رشد رادیکالیسم و انسانگرایی عمیقی است که در جامعه سیر

میکند. مراجع بین المللی هم ناچاراً این شخصیتها را به رسمیت شناخته و آنها را مرجع صلاحیتدار و صاحب نظر در اپوزیسیون میدانند. این يك فاز جدید و امیدوار کننده است. حتی رسانه های راست و محافظه کار هم نمیتوانند شخصیتهای چه جامعه را نادیده بگیرند. هژمونی چه و حزب کمونیست کارگری ایران در ابعاد وسیع و اجتماعی به سرعت کل جامعه را تحت تاثیر قرار داده است. در تاریخ ایران تاکنون ما شاهد چنین پدیده ای نبوده ایم. تنها در يك دوره معین در دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ شمسی چنین اتفاقی افتاده که حزب توده و جبهه ملی در راس این تحولات بودند. اگر چه اوضاع سیاسی آن زمان با دوره ما بسیار متفاوت است، زیرا آن اتفاقات از يك طرف در دل جنگ جهانی و جابجایی رضا شاه و پسرش اتفاق افتاد و از طرف دیگر جریان جبهه ملی و حزب توده که همگی از لحاظ سیاسی و اقتصادی ناسیونالیسم ایرانی و رفرمیسم را نمایندگی میکردند آلترناتیو جامعه بودند. اکنون باتوجه به فضای دیکتاتوری حاکم، و مماشات دوول غربی با جمهوری اسلامی، جناح چه در ابعاد اجتماعی و در همه جوانب زندگی مردم دارد از طرف يك جریان افراطی و کمونیست نمایندگی میشود. تحت تاثیر هژمونی این نوع چه، کل جامعه و فعالین سیاسی و اجتماعی در ایران و خارج ایران دارند پا به میدان مبارزه میگذارند. اکنون علی جودی، آذر ماجدی، مینا احدی، مریم نمازی و... تنها شخصیتهای حزبی نیستند. اینها و دهها کادر، رهبر سیاسی و اجتماعی، در داخل و خارج کشور در ابعادی میلیونی شناخته شده هستند. مرجع رسانه ها و مراجع بین المللی و مورد اعتماد مردم هستند. اینها همراه تعداد وسیعی از فعالین اجتماعی و سیاسی رادیکال در ایران يك

به تغییر در زندگی خود و جامعه گرفته بود.

جریان دوم خرداد برای مهار کردن این خواست و تصمیم به میدان آمد.

شخصیتهای این دوره خاتمی، حجازیان، عبدی، گنجی، باقی، بهنود، رئیس دانا، سبحانی و... هستند. اما جامعه بعد از چند سال این دوره را پشت سر گذاشت. جناح دوم خرداد شکست خورد و متلاشی شد. در این دوره مبارزات مردم اساساً زیر چتر قانونی دوم خرداد میتوانست خود را نشان دهد. با شکست دوم خرداد به قول حمید تقوایی مردم عصا و تکیه گاه دوم خرداد را به دور انداختند. این بار مبارزات و اعتراضات مردم با اتکا به خود، و روی پای خود راه رفتن را شروع کرد. اکنون مبارزات دانشجویی، اعتراضات مردم به بهانه بستن فلان روزنامه و دستگیری فلان شخصیت دوم خردادی جای خود را به اعتراضات و مبارزات کارگری، دفاع رادیکال و انسانی از حقوق کودک، دفاع از

برابری حقوق زن و مرد، و مبارزه برای بهبود زندگی و... با شعارهای رادیکال و برابری طلبانه داده است. این مبارزات هم از لحاظ عمق گسترده گی، و هم از لحاظ عمق رادیکالیسمش، هم از نظر شعارها و هم از زاویه انسانگرایی و مدرن بودنش در تاریخ ایران بی نظیر است. این سطح از توقع و روشن بینی و این سطح از حضور و وجود آلترناتیو چه در جامعه قابل مقایسه با هیچ دوره ای از تاریخ ایران نیست.

در این مسیر تصویر ابژکتیوی که میبینیم. مطرح شدن و رو آمدن شخصیتهای جدید، چهره های تازه و سنتهای مدرن و رادیکال است. اکنون شخصیتهای مطرح نه گنجی و حجازیان و دوم خردادیهای خارج و داخل ایران، بلکه شخصیتهای رادیکال اجتماعی، و کارگری با اسم و رسم حقیقی و حقوقی هستند که جلو صف مبارزات مردم قرار دارند.

این شخصیتها دارند خود را به جامعه معرفی میکنند. حتی مخاطبین و صاحب نظران سیاسی رسانه های عمومی فارسی زبان خارجی هم این سد را شکسته و با این شخصیتها دارند مصاحبه

ادامه اوضاع سیاسی ایران

بالا را پیدا کرده است. این جریان اعلام کرده است چه جامعه ضعیف شده است. اینها از سر مخالفت با حزب کمونیست کارگری رسماً و علناً علیه چه جامعه ایران وارد میدان شده اند. این تصویر از جامعه ایران و چه و راست جامعه کاملاً نادرست و در جهت تقویت راست جامعه است. به قول منصور حکمت کسی که میگوید جامعه ایران اسلامی است، میخواهد اسلامیش کند.

در این مقطع هم کسی که میگوید چه جامعه ضعیف و راست دست بالا پیدا کرده است میخواهد راست جامعه را تقویت کند. جریان انشعابی خودش به راست چرخیده فکر میکند که جامعه هم به راست پیوسته است. برخلاف تصور و میل جریان انشعابی چه جامعه ایران بیش از هر زمانی قدرتمند و دارای امکانات موثر برای تاثیر گذاری بر جامعه است.

برای اثبات این ادعا اجازه بدهید به چند فاکت سیاسی و تاریخی اشاره ای داشته باشم.

واقعیت این است که سرکوب، اعدام، دستگیریهای دسته جمعی در تمام طول عمر رژیم اسلامی ایران جریان داشته است. همان وقتی که جریان دوم خرداد هم برو بیایی داشت، بر خلاف تبلیغات مدافعین داخلی و خارجی آن این اقدامات رژیم اسلامی علیه مردم همچنان در جریان بود. اما در چند ماه اخیر که اعدامها و اقدامات سرکوبگرانه را دوباره در ایران گسترش داده اند، نه نشانه قدرت رژیم بلکه نشانه دست و پا زدنهای آخر عمر آن است.

یک تصویر ابژکتیو از جامعه ایران و جریانات سیاسی و شخصیتهای مطرح در جامعه هر تحلیلگر سیاسی را متوجه این واقعیت میکند که فاز تازه ای از تحول و تغییر در جامعه ایران شروع شده است. نگاهی گذرا به جامعه ایران از سال ۱۳۷۶ به بعد تا کنون تصاویر متفاوتی را به ما نشان میدهد. از اواسط دهه ۷۰ شمسی جامعه ایران وارد فاز جدیدی شد نه بدلیل سر بر آوردن جناح دوم خرداد، اتفاقاً به دلیل رشد مبارزه مردم و گسترش اعتراضات و به میدان آمدن نسل جدید و جوانی که تصمیم

سر دبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 734 484 262
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تولیزویون کانال جدید ۸ تا ۱۰ شب Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

راديو انترناسیونال 9 هر شب راديو قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
راديو را معرفی کنید

21 متر برابر
با 12800 کیلو
هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه اوضاع سیاسی ایران

بالنده گی خود را به هر کسی نشان داده است. این شخصیتها در قدم بعدی ابعادی وسیع و غیرقابل باور پیدا میکنند. ما این را تضمین میکنیم. این هنوز جوانه های يك درخت ریشه دار و تنومند است که خود را دارد به جامعه نشان میدهد. این يك فاز تازه در سیر رویه رشد چپ جامعه است. این اتفاقات و عینیات شانس قدرت گیری کمونیسم در ایران را چند برابر کرده است. سازمان و تشکل و جریان کمونیستی ایران در انتظار جامعه اگر در دهه ۲۰ و ۳۰ حزب توده و در دهه ۵۰ چریک فدایی بود امروز حزب کمونیست کارگری ایران است. اینرا اگر کسی انکار کند یا مشکل تشخیص و بینایی دارد و یا مغرض است. اما جامعه راه خودش را دارد طی میکند. گوش جامعه بدهکار جریانات راست و چپ هیروتی و غیر اجتماعی نیست. این فاکتورها دهها فاکتور عینی دیگر اثبات میکنند که هیچ وقت کمونیسم در اپوزیسیون از چنین قدرتی برخوردار نبوده است. هیچ وقت کمونیسم در اپوزیسیون این چنین منشا اثر در جامعه نبوده است. هیچ وقت کمونیسم، رادیکال و ماکزیمالیست از چنین روشنی و کادر استخواندار برخوردار نبوده است. و بالاخره باتوجه به این فاکتورها هیچ وقت چپ جامعه تا این حد قدرتمند و با اعتماد به نفس نبوده است. اینها همگی ما را در موقعیتی تازه و خطیر قرار میدهد. این يك فاز تازه است. باید این قدرت و شانس خود را دریابیم.

دوره دوره چپ و بالندگی کمونیسم منصور حکمت است. باتوجه به این فاکتورها

کسی که میاید و میگوید راست برتری پیدا کرده است. آشکارا میخواهد چپ را ضعیف و راست را تقویت کند. این پلٹیکی شناخته شده است. این همان سیاستی است که میگفتند جامعه ایران اسلامی است. برای اینکه اسلامیش کنند. کسی برای این ترهات تره هم خورد نمیکند. کسی که خود را چپ بداند و این چنین خود را کوچک معرفی کند تصمیم دارد کوچک بماند. کسی که این واقعیات را نبیند و به معرفی قدرت راست جامعه بر آید، مشکل تشخیص و بینایی، او را تمام قد توصیف نمیکند. چنین انسانهایی مشکل معرفتی ندارند. اینها تلاش میکنند که جامعه به چپ نچرخد. انقلاب رخ ندهد. زیرا فکر میکنند که سوسیالیسم زود است. وقتش نرسیده است. فکر میکنند سوسیالیسم مردم را رم میدهد. چند سال پیش کسانی عکس مصدق را در جیب مردم کشف کردند امروز کسان دیگری عکس شاهزاده را کشف کرده اند. اینها از يك جنس اند. حاشیه ای و بی تاثیرند. افق و دورنمایشان محدود و غیر سیاسی و غیر اېژکتیو است. اینها کمندی تشریف دارند. نه جامعه را میشناسند نه کمونیسم و ابعاد اجتماعی آنرا و نه مصمم بودن رهبران کمونیست را. عکس پهلوی همان قدر واقعی است که عکس مصدق. اینها بیخبرند که اکنون عکس منصور حکمت و مارکس در خانه ها رواج پیدا کرده است. اگر يك دوره مردم تلاش کردند اسم کودکان خود را فواد، خیات، شورش، نیئا و... نامگذاری کنند، اکنون ژوبین، نادر و منصور، به سرعت دارد مطرح میشود. اسم منصور حکمت و ژوبین رازانی، چنان

محبوب شده است که هر آدم رادیکال، انسان دوست و روشنیبینی را به او تشبیه میکنند. این حقایق هم سیاسی و هم اجتماعیست. همژمونی حزب کمونیست کارگری در ابعادی اجتماعی دارد خود را به جامعه نشان میدهد. حزب کمونیست کارگری با اتکا به جنبش اعتراضی کارگران جوانان و زنان و مردم برابری طلب به سمت يك موقعیت منحصر به فردی نزدیک میشود. اقبال وسیع مردم از این حزب و روی آوری توده ای به آن با وجود رسانه های عمومی که هر لحظه رهبران این حزب را به جامعه معرفی میکنند موقعیت بی نظیری است. این رسانه ها رهبران کمونیست را برای جامعه قابل دسترس کرده است. شانس تاثیر گذاری و قدرت گیری چپ و کمونیسم در ایران محتملتر و عملی تر از قبل شده است. حزب و چپ جامعه با اتکا به این حقایق راه خود را میروند. عزم راسخ حزب با اتکا به قدرت خود و جنبش خود باید قویتر و اجتماعیتر به جامعه معرفی شود. سیاست ایران را باید با اتکا به يك کوه ادبیات این حزب و منصور حکمت بیش از این تغییر داد... باید تلاش کرد سرنوشت جامعه با برنامه يك دنیا بهتر تعیین تکلیف بشود. این امر دست همه فعالین چپ و کمونیستهای کارگری را میبوسد. این يك شانس بزرگ تاریخی است که نصیب نسل جوان ایران در این مقطع زمانی شده است. باید آنرا غنیمت شمرد تا از شر نابرابری، استبداد و استثمار خلاص شد. تقویت این حزب تقویت این شانس تاریخی برای رهایی مردم ایران است.

اکتبر ۲۰۰۴

ادامه کارگران نساجی، دستاوردها و پیشروها

پرداخت دستمزدها بوده است. مبارزات کارگران نساجی در سنندج جدا از مبارزات کارگران سایر کارخانجات نساجی کشور که بشدت در بحران بسر می برد، نبوده و بخشی از مبارزات سراسری کارگران این رشته تولیدی می باشد که برای مطالبات کارگران و بر علیه کارفرمایان و سیاستهای اقتصادی دولت در حال جریان می باشد، بوده. مبارزات و اعتصابات کارگران نساجی کردستان امسال در اوضاع و احوال سیاسی بسیار متحول شروع شده است از مشخصه های اصلی این تحولات سیاسی شدن فضا و جو جامعه، ضد رژیم و رادیکال شدن آن می باشد. در يك چنین وضعیتی کارگران نساجی کردستان دست به اعتصاب و مبارزه بر علیه کارفرمایان و دولت زده اند. این مبارزات و ادامه آن در يك چنین وضعیتی که کل جامعه ملتهب و آستن تحولاتی سریع می باشد، می تواند نقش جدی و مهمی در پیشبرد مبارزات کارگران و مردم بر علیه رژیم بازی کرده و نقش کارگران و مبارزه شان را بر علیه رژیم و به خصوص در دست گرفتن رهبری اعتراضات سایر اقشار جامعه و ابراز وجود سیاسی طبقه کارگر برای دخالت در این اوضاع و ضرورت آن را در برابر جامعه قرا بدهد. جایگاه این مبارزه در توازن قوای موجود بین حکومت و مردم، وجود فضا و جو بشدت رژیمی می تواند مردم و سایر اقشار جامعه را متوجه اهمیت دخالت کارگران در روندهای

سیاسی جامعه، و اینکه کارگران و فقط کارگران می توانند هر گونه تغییر و تحول انقلابی از پایین و به نفع مردم را عملی نمایند، صد چندان کرده است. از این زوایه، یعنی از زاویه حضور سیاسی و تلاش برای ایفای نقش هدایت کننده و رهبری کل مبارزه مردم بر علیه رژیم، تلاش برای جلب حمایت مردم از مبارزات کارگران نساجی و اینکه کارگران در صف مقدم مبارزه بر علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی تحمیل شده بر سر مردم توسط رژیم قرار داشته و جایگاه مهمی در رقم زدن تغییر و تحولات آتی جامعه بازی نمایند، ضروری است که رهبران و سازماندهندگان این مبارزات به این جنبه از فعالیت نیز توجه داشته باشند. کارگران نساجی در طول چند ساله گذشته از بسیاری از سنتهای دست و پا گیر، مبارزات پراکنده، دست برداشته و اعتراضاتشان را در قالب مبارزات وسیعتری به میدان آورده اند که تا به حال دستاوردهای زیادی داشته است. مهمترین آنها دور زدن تشکل وابسته به خانه کارگر و شورای اسلامی و تفکلهای کارشکنانه و بخشا سرکویگرانه دار و دسته های حکومتی مستقر در کارخانجات نساجی بر علیه کارگران و مبارزات کارگری می باشد. کارگران و رهبران عملی جنبش کارگری با تجارسی که در طول مبارزات سالیان گذشته بدست آورده اند، موفق شده اند به ضرورت مبارزه سراسری تر و وسیع تر بر علیه کارفرمایان رسیده و بدین وسیله از ایزوله شدن مبارزات کارگران و تنها

کمکهای مالی به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

عباس آیق، ستار نوریزاده، یاسمین، سعید مدانلو

۱۰۰۰ دلار

۲۰ یورو

بهر روز شادی مقدم

ادامه کارگران نساجی، دستاوردها و پیشروها

ماندنشان غالب آمده و سعی کرده اند اعتراضات و مبارزاتشان را در اشکال سراسری تری به میدان بیاورند. یکی دیگر از نکات بسیار مهم دور اخیر مبارزات کارگران نساجی، حمایت سایر بخش های کارگری از مطالبات و خواستهای کارگران نساجی می باشد که یک پیشروی مهم برای کارگران و کل جنبش کارگری می باشد. پیشروی که هم سرنوشتی مبارزات کارگری برای رویارو شدن با کارفرمایان و دولت را در جنبش کارگری تشبیت کرده و ضرورت مبارزه برای تحمیل مطالبات کارگری را تبدیل به امر کل جنبش کارگری کرده است. اما اعتصابات و مبارزات کارگران نساجی کردستان یک مشخصه مهم دیگری نیز دارد و آن تشکیل کمیته های حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگران نساجی در کردستان می باشد. این اولین باری است که با شروع یک مبارزه کارگری، همزمان کارگران سایر واحدهایی تولیدی در حمایت از مبارزات هم طبقه ای هایشان و برای رساندن صدای اعتراض و مبارزه کارگران نساجی کردستان اقدام به این ابتکار بسیار مهم زده اند. تشکیل کمیته حمایت و اهمیت آن در چنین شرایطی برای کل جنبش کارگری در مبارزه اش بر علیه دولت و کارفرمایان یک پیشروی مهم بوده و بیانگر اتخاذ اشکال و شیوه های دیگری در هدایت و حمایت از مبارزات کارگران می باشد. اینکه این مبارزه ایزوله نشده، اینکه کارگران سایر واحدهای تولیدی در

حمایت از همقطارانشان در صنعت نساجی دخالت کرده، اینکه این کمیته دفاع و حمایت از مبارزات کارگران نساجی را امر خود دانسته، به خودی خود گویای تحولی دیگر در رویارویی کارگران با کارفرمایان می باشد. تحولی که با این اقدام پیوسته بودن و همبسته بودن هر مبارزه کارگری و حمایت از این مبارزه را امر خود دانسته و برای رسیدن به خواستههایشان حاضرند پا به پای کارگران اعتصابی نساجی دست به مبارزه بر علیه دولت و کارفرمایان زده و در حمایت از خواستها و مطالبات کارگران نساجی به میدان بیایند. این پیشروی و تحرك جدید را باید به دست اندرکاران، فعالین و مبتکرین این اقدام تبریک گفت. اقدامی که می تواند از طرف سایر بخش های کارگری به عنوان الگو و نمونه ای از همبستگی مبارزاتی مورد توجه قرار بگیرد. اما فعالین و دست اندرکاران این اعتراضات کارگری نباید فقط به این اکتفا نمایند. باید مبارزات کارگران نساجی شاهی و کردستان پا را فراتر گذاشته و از مصدر صاحبان جامعه و اینکه اگر کارگران اراده نمایند می توانند در برابر حکومت نه تنها مقاومت و مبارزه کرده بلکه سایر اقشار معترض جامعه، از زنان و دانشجویان و جوانان را متوجه اهمیت و جایگاه شان در رویارویی شان با رژیم کرده و از این زاویه مهر خودشان را بر تغییر و تحولات و روندهای جاری جامعه زده و تلاش نمایند خودشان به رهبر و سازمانده مبارزات ضد رژیمی و کل جنبش سرنگونی خواهی بشوند. این امر شدنی است.

جامعه تشنه آزادی است. مبارزه اقشار مختلف جامعه بر علیه حکومت اوج گرفته است، روزی نیست که مبارزه ای در گوشه و کنار شکل نگیرد. همه این مبارزات یک هدف دارد و آن تضعیف رژیم و وارد آوردن ضربه نهایی بر پیکر حکومت جانپان اسلامی، یعنی به زیر کشیدن رژیم می باشد. به سرانجام رساندن این امر و هدایت و دخالتگری طبقه کارگر در شل دادن به روندهای سیای آتی در جامعه کردستان باید به یک ضرورت و اولویت مهم جنبش کارگری و پیشگامان اعتراضات و مبارزات کارگری بشود. این مبارزات را باید گسترش داد. باید کل جامعه را مخاطب قرار داد. باید با درایت و تیز بینی و با هوشیاری تمام در مبارزه سیاسی و ضد رژیمی که در بطن جامعه در اشکال مختلف جریان دارد، دخیل شد، طرح و نقشه داشت، اهداف و مطالبات چپ و انسانی را طرح و تبدیل به شعارها و خواستهای جنبش های مختلف اجتماعی کرد، باید از زاویه منافع کارگر و نقش و جایگاهی که کل جنبش کارگری و طبقه کارگر در مبارزه بر علیه رژیم دارد، به ارزیابی اوضاع پرداخت. باید دخالتگری و ایفای نقش در سمت رهبری کل مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دست گرفت. این تنها راه ممکن، عملی و تنها ضامن جلوگیری از به کجراه رفتن و سرکوب مبارزات کارگری می باشد. باید به جامعه اطمینان داد که کارگران می توانند نه تنها برای اهداف و مطالبات قشر خودشان مبارزه و اعتصاب راه بیندازند، بلکه قدرت و توان در دست گرفتن رهبری

مبارزات مردم بر علیه رژیم و مهمتر از همه به پیروزی رساندن این مبارزه را هم دارند. جامعه و مردم می توانند رزی این نیروی پر قدرت حساب باز کرده و در کنار این نیروی عظیم کل مبارزه شان را برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به کار گرفته و

ادامه اطلاعیه شماره ۴

کرد و بعلاوه پرداخت حق اولاد و حق شیفت و مسکن برای کارگران را نیز تعهد نمود.

بعد از این مذاکرات و با شدت یافتن فشار و تهدید علیه کارگران که در محاصره نظامی قرار داشتند، کارگران اعتصابی تصمیم گرفتند فعلا به تحصن خود خاتمه دهند.

لازم به توضیح است که روز قبل یعنی سه شنبه ۱۲ آبان وزارت کشور جمهوری اسلامی از استاندار و مقامات رژیم خواست که هر کاری کرده اند باید این اعتصاب پایان پذیرد. در استانداری کردستان جلسه ای اضطراری با حضور مدیریت کارخانه و معاون امنیتی استاندار و دیگر مقامات رژیم برگزار گردید. وزارت کشور از استاندار و مقامات انتظامی و مدیریت کارخانه خواست که "غائله" سنندج را خاتمه دهند.

شهر سنندج همچنان تحت تاثیر فضای اعتراضی قرار دارد. طی پنج روز تحصن و اعتصاب، کارگران چندین کارخانه از جمله کارگران کارخانه شاهی، نساجی پیروز، شرکت آئومین، کارخانه شیر پاستوریزه، رسیدگی پریس، خبازی، شرکت پلاستیک کار و همچنین دانشجویان دانشگاه کردستان، آزاد و نور با امضای طومارهایی پشتیبانی خود را

مطئن باشند که جامعه کارگری این امر را ممکن خواهد ساخت. باید این اعتراضات اخیر را تبدیل به امر جامعه کرد. باید مردم و اقشار مختلف را به ضرورت حمایت از این مبارزه فراخواند. نباید گذاشت این مبارزه ایزوله شده و نهایتا سرکوب شود. * * *

از تحصن کارگران اعلام کردند. مردم شهرهای سقز و برخی شهرهای دیگر نیز با امضای طومارهایی پشتیبانی خود را از خواستهای کارگران اعلام کردند.

این اعتصاب و تحصن فضایی از همبستگی و اتحاد را در میان کارگران و مردم بوجود آورد و همچنان جو اعتراضی در سنندج تحت تاثیر این مبارزه کارگران قرار دارد. گرچه مدیریت در پرداخت خسارت بیکاری تاحدی عقب نشست اما اخراج یا باز خرید ۷۶ تن از کارگران که زیر فشار محاصره نظامی و تهدید، به کارگران تحمیل شد مورد اعتراض همه کارگران است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به همه کارگران نساجی کردستان و همه کارگران و مردمی که در این مبارزه فعالانه از کارگران حمایت کردند درود میفرستد. اتحاد پرشوری که در این مبارزه به نمایش در آمد ضامن پیروزیها و پیشرویهای بزرگتر ما علیه حکومت منفور اسلامی و سرمایه داران است و باید آنرا ارج گذاشت و آنرا مستحکم تر کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ آبان ۱۳۸۳ - ۳
نوامبر ۲۰۰۴